

تحلیل تأثیر عوامل اجتماعی بر رفتارهای حامی محیط زیست (نمونه‌ی مورد مطالعه: شهروندان شهر گرگان)

دانیال باقری^۱، رضا علی محسنی^۲، سیدمحمدصادق مهدوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۴

چکیده

شهری شدن سرمایه در قرن اخیر در کنار کارکردهای مثبت مدرنیته منجر به ظهور دو پدیده شده است. جمعیت و مصرف که مشخصه‌ی اصلی جوامع مدرن به شمار می‌آیند و زیست جهان بشر را با خواسته‌های خود منطبق نموده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار حامی محیط زیست در بین شهروندان شهر گرگان انجام شده است. این پژوهش توصیفی- تحلیلی با استفاده از روش پیمایش به صورت مقطعی روی ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر گرگان در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ی استاندارد است. برای نمونه‌گیری از روش تصادفی چندمرحله‌ای همراه با تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آزمون پارامتری (آزمون T تک متغیره)، آنالیز واریانس و آزمون همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بررسی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش نشان می‌دهد که بین سن با رفتار حامی محیط زیست رابطه وجود دارد؛ اما رابطه‌ای بین جنسیت و وضعیت تأهل با رفتار حامی محیط زیستی مشاهده نشد. هم‌چنین بر اساس یافته‌های پژوهش بین پایگاه اجتماعی اقتصادی، مصرف رسانه‌ای و اعتماد اجتماعی شهروندان شهر گرگان با رفتار حامی محیط زیست رابطه وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی محیط زیست، رفتار حامی محیط زیست، مصرف رسانه‌ای، اعتماد اجتماعی، شهر گرگان.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل (نویسنده‌ی مسئول)

Danielbagherii@gmail.com

mohseni.net14@gmail.com

sms_mahdavi@yahoo.de

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

^۳ استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و بیان مسأله

ما در دوره‌ای از رشد و تغییر بی‌سابقه زندگی می‌کنیم. انسان‌ها چه به شکل فردی و چه به صورت جمعی با محیط اطراف خود تعامل دارند؛ اما در قرن اخیر برای اولین بار از جامعه‌ی پساکشاورزی به این سو اقتصاد انسانی بر فضای محیط زیستی تسلط یافته است. هر جنبه از زندگی روزمره‌ی بشر به‌وسیله‌ی این اقتصاد تغییر داده شده و انسان با نام پیشرفت و به دست تکنولوژی، تعامل میان خود و طبیعت را به تعارض تبدیل ساخته است. حاصل تجمیع تکنولوژی و توسعه‌ی اقتصادی، ویرانی محیط زیست طبیعی را به بار آورده است (ساستری، ۲۰۱۵: ۱۲). مسایل محیط زیست از ماهیت بین رشته‌ای برخوردارند، اما از دانش جامعه‌شناسی انتظار می‌رود تا به ما نشان دهد چگونه می‌توان با این مشکلات روبه‌رو شد؛ زیرا این مشکلات در بنیان مشکلات اجتماعی هستند که ریشه در رفتار انسان اجتماعی و فرآیندهای فرهنگی حاکم بر زندگی اجتماعی افراد دارند (کارفاگنا، ۲۰۱۴: ۱۶۳). از این رو دانش جامعه‌شناسی از مهم‌ترین نقش در تحلیل این مسایل و پاسخ‌گفتن به آن‌ها برخوردار است (کتس گرو، ۲۰۱۵: ۳۱).

مرور الگوهای توسعه‌ی شهری به‌ویژه در دهه‌های اخیر، حاکی از ناپایداری توسعه در جوامع شهری است. روندهای شهرنشینی برای تأمین کیفیت مطلوب زندگی شهروندان و دسترسی آنان به رفاه و برخورداری از خدمات شهری و محیط سالم، همراه با حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آتی نبوده و بررسی شاخص‌های محیط زیستی نشان‌دهنده‌ی تهدید جدی نظام‌های شهری در این زمینه است. آگاهی و شناخت نسبت به هر مسأله، بستر فرهنگی لازم برای مقابله با آن را فراهم می‌کند. لاجرم آگاهی نسبت به مسایل محیط زیست در شکل‌دهی رفتارهای تأثیرگذار بر محیط زیست مداخله می‌کنند (حاجیلو، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

با نگاهی به آمارهای جمعیت شهرنشین جهان در می‌یابیم که جمعیت شهرنشین دنیا در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۸۹۰ میلیون نفر بوده است. پیش‌بینی سازمان ملل نشان می‌دهد که جمعیت شهرنشین جهان در سال ۲۰۳۰ به حدود ۵۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. به عبارت دیگر، در مدت ۳۰ سال حدود ۲۱۰۰ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین جهان اضافه خواهد شد. بررسی آمارهای جمعیت شهرنشین ایران نیز در چهار سرشماری پی در پی نشان می‌دهد که جمعیت شهری ایران در سال ۱۳۳۵ برابر ۳۱/۴ درصد و در سال ۱۳۷۵ برابر با ۶۱/۳ درصد و در سال ۱۳۹۰ برابر با ۷۵ درصد کل جمعیت کشور در همان سال‌ها بوده است. سازمان ملل پیش‌بینی می‌کند که ایران در سال ۱۴۰۵ از ۱۲۸ میلیون نفر کل جمعیت، حدود ۹۳ میلیون نفر جمعیت شهرنشین خواهد داشت.

متخصصان جمعیتی ایران نیز پیش‌بینی کرده‌اند که بر اساس کم‌ترین نرخ رشد، جمعیت ایران در سال ۱۴۰۵ برابر ۱۰۵ میلیون نفر و جمعیت شهرنشین آن ۷۶ میلیون نفر خواهد شد. این ارقام دلالت بر رشد سریع شهرنشینی در جهان و ایران داشته و نمایان‌گر این واقعیت است که شهرنشینی مسأله‌ای مبهم و پیچیده است و افزایش سریع آن موجب بروز مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی می‌شود (عابدین درکوش، ۱۳۸۹: ۱۰۶). سبک‌های خاص زندگی شهری هم‌چون نیاز بیش‌تر به سفر و حمل‌ونقل که میزان مصرف انرژی را افزایش می‌دهد، از جمله تأثیرات شهر بر محیط زیست است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۵۳). یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب‌رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان‌ها به سمت و سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه است. بسیاری بر این باورند که مشکلات زیست‌محیطی در باورها و ارزش‌های اجتماع ریشه دارد و به همین علت باید دانست افراد اجتماع نسبت به محیط زیست چگونه فکر می‌کنند، چه شناختی نسبت به آن دارند و تا چه اندازه طبیعت و محیط زیست برایشان دغدغه است (بار، ۲۰۰۷: ۴۵۶).

جامعه‌شناسان با رویکردهای متنوع رفتارهای محیط زیستی افراد را مورد بررسی قرار داده‌اند (تارانت و کوردل، ۱۹۹۷) عوامل رفتاری و خصوصیات فردی افراد را مورد تأکید قرار دادند (آندو و همکاران، ۲۰۱۰) و (گادنی و همکاران، ۲۰۱۱)؛ سطح آگاهی‌های فردی را در دغدغه‌مندی محیط زیستی مورد توجه قرار دادند؛ ادراک افراد در رابطه با تغییرات اقلیمی جهانی (وایتمارش و اونیل، ۲۰۱۰)، نقش مؤثر آموزش در بروز رفتارهای حامی محیط زیست (استرلینگ، ۲۰۱۰). سبک زندگی مصرفی و محیط زیست (فتحی، ۱۳۹۴) و (ویلز، ۲۰۱۲) با این اوصاف مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عوامل هستند که رفتارهای زیست‌محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نمی‌توان آن‌ها را در قالب یک نمودار یا چارچوب ساده متصور شد.

اکنون پس از گذشت چهار دهه فعالیت علمی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست، وضعیت امروزی مسایل زیست‌محیطی در ایران چندان رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد. به طوری که بر اساس شاخص جهانی عمل‌کرد زیست‌محیطی [۱] در سال ۲۰۱۲، ایران در میان ۱۳۲ کشور جهان با ۳۶ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۱۰ میلادی در رتبه‌ی ۱۱۴ جهان قرار گرفته است (حمایت خواه جهرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴).

بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای حامی محیط زیست در بین شهروندان شهر گرگان انجام شده است. به عبارت دیگر پاسخ به این سؤال که تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی بر رفتار حامی محیط زیست چگونه است؟

پیشینه‌ی پژوهش

خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان ساکن در دهستان جاغرق را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل (ابعاد اجتماعی: مؤلفه‌های فردی، رفتاری - روان‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی) با متغیر وابسته (میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین استفاده از رادیو در متغیر مصرف رسانه‌ای بیش‌ترین تأثیر را در بروزهای رفتارهای مسئولانه‌ی محیط زیستی داشت.

قادری و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که بین پارادایم نوین اکولوژیکی (NEP) با رفتار بازیافت، رابطه‌ی معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین، بین نگرش نسبت به بازیافت و رفتار بازیافت رابطه‌ی معنادار و مثبت به دست آمده است. با توجه به یافته‌های این تحقیق، عوامل انسانی در تولید و بازیافت زباله نقش مؤثری ایفا نموده و لذا شناخت نگرش‌ها و گرایش‌های آنان کمک مؤثری در برنامه‌ریزی مدیریت زباله و بازیافت ارائه می‌نماید.

احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شهر کرمانشاه انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان متوسط رو به بالا است و بین متغیرهای ارزش، باور و آگاهی‌های زیست‌محیطی با رفتار زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد در حالی که متغیر تحصیلات با آن رابطه نداشت. همچنین رفتارهای زیست‌محیطی بر حسب جنسیت، تأهل و گروه‌های سنی متفاوت است. در یک نتیجه‌ی کلی می‌توان گفت که عوامل فرهنگی در واقع می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی سیاست‌های ترویج رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه باشند.

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف مطالعه‌ی رابطه‌ی متغیرهای دل‌بستگی مکانی و نگرش مسئولانه‌ی زیست‌محیطی با رفتار مسئولانه‌ی زیست‌محیطی در شهر تبریز انجام دادند. یافته‌ها حاکی از آن است که دل‌بستگی شهروندان تبریز به محیط اجتماعی و کالبد طبیعی شهر کم‌تر از میانگین نمره‌ی نگرش مسئولانه‌ی زیست‌محیطی است. نتایج به‌دست‌آمده از مدل‌سازی

معادلات ساختاری نشان داد که متغیر دل‌بستگی مکانی نیز به طور غیرمستقیم بر رفتار مسئولانه‌ی زیست‌محیطی مؤثر است.

رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری ارزشی با شهروندی محیط زیست در بین سه منطقه‌ی (۳، ۱۱، ۱۹) شهر تهران پرداختند. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داد که بین فردگرایی و جمع‌گرایی افقی و عمودی با شهروندی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد و در این بین؛ تأثیر فردگرایی افقی از همه بیش‌تر است.

کیری و کریم زاده رضاییه (۱۳۹۶) رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و دغدغه‌ی زیست‌محیطی، رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و دغدغه‌ی زیست‌محیطی را بررسی کردند. نتایج نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی در درون کشورها است. در مقابل، برخی بر ناکافی بودن سرمایه‌ی اجتماعی در بهبود و ارتقاء رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی شهروندان تأکید کرده‌اند. یافته‌های تجربی ناظر بر رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد ۲۲ درصد تغییرات دغدغه‌ی زیست‌محیطی را سرمایه‌ی اجتماعی تبیین می‌کند.

حمایت خواه جهرمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی روابط میان متغیرهای مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده برای سنجش رفتارهای زیست‌محیطی را تأیید کردند. الگوسازی معادلات ساختاری نیز نشان داد برازش کلی مدل در حد قابل قبولی قرار دارد (۰/۰۸۱) و انطباق مناسبی میان مدل ساختاری و مدل تجربی فراهم است و دو متغیر تمایل به رفتار زیست‌محیطی و کنترل رفتار درک‌شده، پیش‌بینی‌کننده‌های بهتری برای انجام رفتارهای مسئولانه‌ی زیست‌محیطی هستند.

پیشینه‌ی خارجی

پچن (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «رفتار و نگرش‌های عمومی درباره‌ی تغییرات آب و هوایی» به بررسی اثر رفتارها و نگرش‌های افراد جامعه در تغییرات آب و هوایی پرداخت. روش این پژوهش اسنادی بود. نتایج پژوهش نشان داد که تغییرات در سبک زندگی و اتخاذ سبک زندگی مطلوب باعث رفتارهای زیست‌محیطی بهتر خواهد شد.

هاپنا (۲۰۰۷) با بررسی سبک زندگی در عصر پست مدرن نشان داد که با افزایش میزان گوش‌دادن به موسیقی، پاسخ‌گویان، رفتار زیست‌محیطی مساعدی نیز داشته باشند. یافته‌های حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد که امکان پیش‌بینی رفتارهای زیست‌محیطی از روی سلاقی موسیقایی وجود ندارد. از یافته‌های این متغیر و هم‌چنین متغیر تماشای فیلم به عنوان معرف‌های

داوری ذوقی می‌توان به این نتیجه رسید که بین داوری‌های ذوقی و رفتارهای زیست‌محیطی ارتباطی وجود ندارد و نمی‌توان خطوطی بین آن‌ها ترسیم کرد.

پارتیداریو و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی به این مسأله اشاره کرده‌اند که طی دو دهه‌ی گذشته طیف گسترده‌ای از تغییرات فن‌آوری، اجتماعی و سیاسی به لحاظ درک مفهوم پایداری ایجاد شده‌اند. این تغییرات اساساً در تغییر مصرف منابع طبیعی، تغییر الگوی غلبه بر طبیعت و نوآوری‌های اقتصادی که رعایت قواعد حفظ محیط زیست در آن انعکاس یافته است دیده می‌شود. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که تأکید بیش‌تر بر بسترهای خاص حفظ پایداری موجب می‌شود این اصول در انتخاب سبک زندگی، رفتار و انگیزه‌های مصرفی مردم بروز یابند.

مولینا و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «دانش زیست‌محیطی و دیگر عوامل مؤثر بر رفتار طرفدار محیط زیست: مقایسه‌ی دانش‌جویان دانشگاه کشورهای در حال توسعه و پیشرفته» دریافتند که منابع رسمی و غیر رسمی آموزش و پرورش، جنس، انگیزه‌ها و نگرش‌ها بر رفتار طرفدار محیط زیستی دانش‌جویان تأثیر دارد.

آکسن و کورانی (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود نشان دادند که نفوذ اجتماعی از طریق لایه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد اثر بگذارد. به عنوان نمونه، آگاهی، تحت تأثیر گسترش اطلاعات کارکردی ارتقاء می‌یابد و مصرف‌کنندگان با افزایش آگاهی خود، به ارزیابی فن‌آوری و منافع آن می‌پردازند. با این آگاهی، نگرش‌ها و رفتار افراد در محیط زیست و نسبت به محیط زیست شکل می‌گیرد.

کس گرو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «اقدامات نوع‌دوستانه‌ی زیست‌محیطی و رفتار زیست‌محیطی در چهار کشور جهان» اقدامات نوع‌دوستانه‌ی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی را در میان ۸۴۷۷ نفر از دانشجویان پنج کشور کانادا، آلمان، کره‌ی جنوبی، ایالات متحده‌ی آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد اگرچه این چهار کشور از بعضی جهات (میزان جمعیت جوان، میزان تحصیل‌کرده‌ها و پیدایی هنجارهای جهانی) متفاوت‌اند، اما جمعیت دانش‌جویان آن‌ها از این نظر نسبتاً شبیه هم هستند؛ هم‌چنین، تفاوت معناداری بین دانش‌جویان در رفتارهای نوع‌دوستانه‌ی زیست‌محیطی و نگرش‌های زیست‌محیطی آن‌ها وجود دارد.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه اجتماعی کلاسیک و مدرن، نقش و سهمی اساسی در بررسی موضوع محیط‌زیست داشته است (گولدبالت، ۱۳۷۹: ۸۶). از جمله‌ی این نظریه‌پردازان می‌توان به مارکس^۱، دورکیم^۲ و وبر^۳ و در حیطه‌ی نظریات متأخر به گیدنز^۴ (۱۹۹۰، ۱۹۹۹)، اولریش بک^۵ (۱۹۹۲) اشاره کرد. در زمینه‌ی رفتارهای محیط زیستی نیز پارادایم جامعه‌ی مسلط آمریکا، پارادایم جدید زیست‌محیطی (NEP)^۶ دانلپ و ون لیر^۷ (۱۹۷۸)، ارزش‌های فرامادی اینگلهارت^۸ (۱۹۹۷)، نظریه‌ی ارزش، باور و هنجار استرن^۹ و همکاران (۲۰۰۰)، نظریه‌ی کنش معقولانه فیش بین و آیزن^{۱۰} (۱۹۷۶) نیز مطرح است. این رویکردها همگی به طور ضمنی به تشخیص روابط میان هنجارها، ارزش‌ها و ساخت اجتماعی با نوع کنش زیست‌محیطی افراد در جامعه‌ی مدرن می‌پردازند.

برای بررسی چگونگی مواجهه انسان‌ها با محیط زیست در دهه‌ی ۷۰ میلادی جامعه‌شناسی محیط زیست به شکل جدی نضج یافت. جامعه‌شناسان دریافتند که نظریه یا تحقیق منسجمی برای فهم رابطه بین جامعه و محیط زیست در اختیار ندارند و نظریات اجتماعی کلاسیک فاقد یک چارچوب مفهومی مناسب برای فهمیدن تعاملات پیچیده‌ی بین جوامع و محیط‌های زیستی است. نظریه‌پردازان مکتب انتقادی، جنبش‌های اجتماعی موجود در نظام سرمایه‌داری را به عنوان تلاش برای تبیین نیازهای جدید و بازسازی مخاطرات کارکردی گذشته در چارچوب عقلانیت زیست جهان می‌دانند. آنان از این طریق توانستند فرهنگ‌های مخالف ارزش‌های موجود در نظام سرمایه‌داری صنعتی را ارائه دهند. با این‌که این نهضت عمدتاً متکی به سازمان‌های مردمی است، اما معتقدند کنش زیست‌محیطی بر مبنای آفریدن رویدادهای مورد علاقه‌ی رسانه‌ها عمل می‌کند. به عنوان نمونه، کارهای اخیر یورگن هابرماس^{۱۱} به نوعی بازاریابی مستمر و خستگی‌ناپذیر نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک است و لذا منجر به تولید جامع‌ترین تفسیرهای جدید از سازمان نهادی مدرنیته

1 Karl Marx

2 Max Weber

3 Émile Durkheim

4 Anthony Giddens

5 Ulrich Beck

6 New Ecological Paradigm

7 Dunlap & Van Liere

8 Inglehart Ronald

9 Stern

10 Fishbein & Ajzen

11 Jürgen Habermas

و توسعه‌ی فرهنگی مدرنیته شده است. هابرماس در پی آن بود که نشان دهد تنها رابطه‌ی ما با محیط زیست طبیعی رابطه‌ی ابزاری است که منافع تولیدی، حساب‌گرانه و فنی ما درباره‌ی این‌که چگونه می‌توانیم بهتر از آن بهره‌کشی کنیم، بر آن حاکم است (گلدبالت، ۱۳۷۹: ۹۰). موضوع اصلی هابرماس این است که نگرش ابزاری و فنی و دست‌کاری‌کننده در برابر جهان بیرونی چیزی است که مربوط به خصلت ویژه‌ی سرشت نوع آدمی است (بری، ۱۳۸۰: ۱۱۵). پارادایم جدید زیست‌محیطی^۱ که توسط دانلاپ و ون‌لایر (۱۹۷۸) مطرح شده است، در نظریه‌ی اجتماعی مدرن تخریب زیست‌محیطی تنها در پرتو فهم و درک چگونگی و علت تخریب محیط‌زیست میسر می‌گردد.

در میان نظریه پردازان مدرن نقش اولریش بک در هشدار مخاطرات محیط زیستی بیش از دیگران به چشم می‌آید. آن چه موجب تمایز بک از سایر نظریه‌پردازان اجتماعی مدرن می‌شود، این است که وی به امکانات بالقوه‌ی فاجعه‌آمیز و دهشتناک تخریب محیط زیست جهانی که محور مسایل زیست‌محیطی است، پرداخته است. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که بک ارائه می‌دهد، پنداره-هایی است درباره‌ی "جامعه و مخاطره" که در اولین کتاب خود با نام "جامعه‌ی مخاطره‌آمیز"^۲ آنان را نگاشته است (بک، ۱۹۸۶، ۱۹۹۲). وی جامعه‌ی مخاطره‌آمیز را طی فرآیند ظهور مدرنیته‌ی اول و سپس مدرنیته‌ی دوم مورد توجه قرار می‌دهد و دهه‌ی ۱۹۷۰ را دوره‌ی ظهور مدرنیته‌ی دوم می‌داند. وی جامعه‌ی مخاطره‌آمیز را با سه ویژگی شرح می‌دهد:

۱- توزیع مجدد ثروت: در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز دعوا نه بر سر تقسیم ثروت بلکه مسأله‌ی توزیع امور منفی و مخاطره است.

۲- فردیت‌یابی: از نظر بک فردگرایی به ساختار مدرنیته‌ی دوم تبدیل شده است. از قرن ۱۷ به بعد نهادها و ساختارهای جامعه برای آزادی و استقلال فرد زیر سؤال رفته است و افراد وادارند تا زندگی‌نامه‌های خود را بسازند. این آزادی از بند ساختارها، رهایی به سوی عدم قطعیت‌های یک جامعه در مخاطره است.

۳- استانداردزدایی از کار: در سراسر جهان، کار ناپایدار افزایش یافته و افراد تحت عدم قطعیت کار خواهند بود. با توجه به آن چه گفته شد، جامعه‌ی مخاطره‌آمیز شامل تغییرات مرتبط به

1 New Environmental Paradigm

2 Risk Society

هم در زندگی اجتماعی معاصر می‌شود. مفهوم بک از مخاطره بر این ایده استوار است که مدرن‌شدن تعداد کثیری از مشکلات را ایجاد خواهد کرد که در نتیجه‌ی آن نهادهای اجتماعی بازتابی می‌شوند و به فرآیند خودارزیابی وادار می‌شوند (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). در حقیقت بک تا آن‌جا پیش رفته است که می‌گوید مدرنیته‌ای که در نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک توصیف شده به صورت بنیادی به یک نوع جامعه‌ی مخاطره‌آمیز ناشی از ظهور سطح متفاوتی از خطرها و مخاطره‌پذیری‌های زیست‌محیطی پایدار و تاریخی فوق‌العاده عظیم است؛ لذا الگوهای توافقی جامعه‌ی مدرن قادر نیست خاستگاه‌ها و پیامدهای شکل‌گیری جامعه‌ی مخاطره‌آمیز را به کنترل خود درآورد. داعیه‌های بک در زمینه‌ی تبدیل مدرنیته‌ی کلاسیک به جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، هم‌سویی تنگاتنگی با الگوی نظری گیدنز، مدرنیته متأخر دارد؛ که در آن جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی به طرز جدیدی نسبت به خطرها و مخاطره‌پذیری زیست‌محیطی واکنش نشان می‌دهند (بک، ۲۰۰۶: ۳۴۰). بک هم‌چنان راه‌هایی را که از طریق آن‌ها روابط قدرت فرهنگی و سیاسی معاصر و موجود در خدمت پوشاندن و پنهان‌کردن خاستگاه‌های تخریب زیست‌محیطی قرار می‌گیرد و از تخریب‌کنندگان محیط‌زیست حمایت می‌شود، بررسی کرده است (بک، ۱۳۸۸). به طور کلی گسترش ادبیات مربوط به پنداره‌هایی درباره‌ی "مخاطره و جامعه" در نظام جامعه‌شناختی، تا حد زیادی مدیون تأثیر شگرف بک است (الیوت و ترنر، ۱۳۹۳: ۵۳۷).

تعریف مفاهیم و متغیرها

رفتار حامی محیط زیست: از نظر مفهومی، رفتارهای زیست‌محیطی، مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص را برای رفتار نسبت به محیط زیست شامل می‌شود (عقبلی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۰). برای سنجش رفتارهای زیست‌محیطی از پاسخ‌گو خواسته شده که رفتار خود را در مورد ۲۰ گویه‌ی مؤلفه‌های رفتار زیست‌محیطی (مصرف گاز، مصرف برق، مصرف آب، استفاده از تولیدات محلی، حفاظت از منابع زیست‌محیطی و استفاده از وسایل بازیافتی) ابراز نمایند. این گویه‌ها با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت قرار داشته که با سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شد. بدین ترتیب نمره‌ی ۲۰ کم‌ترین و نمره‌ی ۱۰۰ بالاترین نمره‌ی زیست‌محیطی است.

آگاهی زیست‌محیطی: آگاهی زیست‌محیطی شامل اطلاعات عملی است که افراد درباره‌ی محیط زیست، بوم‌شناسی کره‌ی زمین و تأثیر کنش‌های انسان بر روی محیط زیست دارند (مولینا، ۲۰۱۳: ۱۳۲).

اعتماد اجتماعی: اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در رفتار با دیگران به گونه‌ای که این تمایل ناشی از یک حسن اطمینان باشد (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸)، این اعتماد، بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده و اجتماعی‌ای که افراد نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند، دلالت می‌کند (ملانیا جلودار و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۵ به نقل از پاکستون^۱، ۱۹۹۹: ۱۰۵) به عبارت دیگر اعتماد، انتظارات مناسب در مورد کنش دیگران است که ارتباط بین انتظارات از کنش دیگران چه در سطح فردی (انتظار از کنش یک فرد) و چه در سطح کلان (انتظار از کنش سازمان‌ها و دولت) و انجام کنش تصمیم گرفته شده است. برای سنجش این متغیر، اعتماد در دو شاخص صادق‌بودن دیگران و اعتماد به دیگران با معرف‌های مربوط به هر شاخص تعریف شده است.

پایگاه اجتماعی اقتصادی: وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES)^۲ افراد جامعه نیز نقش قابل ملاحظه‌ای در بروز رفتارهای حامی محیط زیست دارد. به دلیل وجود تفاوت جوامع مختلف و تأثیرپذیری عمیق و گسترده‌ی آن از ساختار جامعه، عوامل ریشه‌دار فرهنگی، روابط و مناسبات اجتماعی و کنش‌های افراد در طبقات مختلف متفاوت است (گرمارودی و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). ابزار اندازه‌گیری جهت بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی، پرسش‌نامه بود که شامل ۴ مؤلفه (سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، نوع شغل، طبقه‌ی ذهنی) و ۵ سؤال اصلی است. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ی مذکور مورد تأیید ۱۲ نفر از متخصصین قرار گرفت و هم‌چنین پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

مصرف رسانه‌ای: متغیر مصرف رسانه‌ای مفهومی چند بعدی است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲).

در پژوهش حاضر این متغیر با میزان استفاده‌ی نمونه‌ها از رادیو، تلویزیون ملی، روزنامه، کتاب غیر درسی، تلویزیون خارجی، اینترنت و موبایل اندروید (شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، اینستاگرام و...) در هر شبانه‌روز در مقیاس دقیقه اندازه‌گیری شد.

¹ Paxton

² Socioeconomic Status

فرضیه‌های پژوهش

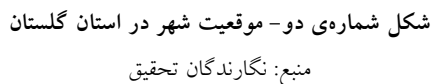
- بین جنسیت، سن و وضعیت تأهل با رفتار حامی محیط زیست رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی اقتصادی با رفتار حامی محیط زیست رابطه وجود دارد.
- بین مصرف رسانه‌ای با رفتار حامی محیط زیست رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی با رفتار حامی محیط زیست رابطه وجود دارد.

منطقه‌ی مورد مطالعه

شهر گرگان مرکز استان گلستان است که در عرض جغرافیایی $36/83$ درجه‌ی شمالی و $54/48$ درجه‌ی طول شرقی قرار دارد. این شهر بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1395 دارای 111099 خانوار و تعداد 350676 نفر جمعیت است که از این تعداد 174797 مرد و 175879 زن هستند. شهر گرگان بر اساس تقسیم‌بندی‌های شهری به 3 منطقه تقسیم شده است. در این تحقیق نمونه‌ها از هر 3 منطقه انتخاب شدند تا گویای طبقات و اقشار مختلف شهری باشد.



شکل شماره‌ی یک- موقعیت استان گلستان در کشور



منطقه شهری	تعداد خانوار	جمعیت کل	جمعیت مردان	جمعیت زنان
منطقه ۱	۳۳۲۷۲	۱۰۱۹۵۰	۵۰۱۱۲	۵۱۸۳۸
منطقه ۲	۳۳۹۶۲	۱۰۸۳۵۸	۵۴۹۷۸	۵۳۳۸۰
منطقه ۳	۴۳۸۶۵	۱۴۰۳۶۸	۶۹۷۰۷	۷۰۶۶۱

روش یژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۶ روی ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر گرگان (۱۹۱ نفر زن و ۲۰۹ نفر مرد) بر اساس فرمول کوکران به روش پیمایشی انجام شده است. تحقیق از نظر زمانی مقطعی و از نظر وسعت پهنانگر است. اطلاعات لازم در این پژوهش با روش میدانی جمع‌آوری و پس از تعیین حجم نمونه، شهروندان شهر گرگان با استفاده از روش نمونه‌گیری

ترکیبی طبقه‌ای انتخاب شدند. شهر گرگان طبق تقسیمات شهری به ۳ طبقه تقسیم شد و محله‌های درون طبقات به عنوان خوشه در نظر گرفته شدند. به صورتی که از هر منطقه ۴۰ درصد محلات به صورت تصادفی به عنوان خوشه وارد مطالعه شدند. ابزار سنجش متغیرها پرسش‌نامه بود و در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss تجزیه و تحلیل شدند. برای مقایسه‌ی رفتارهای محیط زیستی بین دو جنس از آزمون تی مستقل استفاده شده است. آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل سن، مصرف رسانه‌ای و اعتماد اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. از آزمون آنالیز واریانس برای بررسی ارتباط متغیرهای مستقل با رفتارهای حامی محیط زیست و برای تجزیه و تحلیل روابط معنادار در بیش از دو گروه از آزمون تعقیبی توکی (Tukey) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، اطلاعات از بین ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر گرگان جمع‌آوری شده است. تعداد ۲۰۹ نفر (۵۲/۲ درصد) مرد و ۱۹۱ نفر (۴۷/۸ درصد) زن بودند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۳ سال و پایین‌ترین ۱۷ و بالاترین ۶۲ سال بوده است. بیش‌ترین فراوانی هم با ۱۴۲ نفر (۳۵/۵ درصد) مربوط به رده‌ی سنی ۲۰ تا ۲۹ سال است. تعداد ۱۲۷ نفر (۳۲/۱ درصد) پاسخ‌گویان مجرد، ۲۲۲ نفر (۵۶/۱ درصد) متأهل و ۴۷ نفر (۱۱/۸ درصد) بدون همسر بودند. نیمی از پاسخ‌گویان اشتغال تمام وقت داشتند و وضعیت اشتغال نیمی دیگر به صورت اشتغال پاره وقت، بیکار و بیکار جویای کار بوده است. سطح تحصیلات ۱۶۴ نفر (۴۱/۱ درصد) از پاسخ‌گویان زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم، ۱۳۷ نفر (۳۴/۲ درصد) لیسانس و تعداد ۹۹ نفر (۲۴/۷ درصد) فوق لیسانس و بالاتر بودند. در پاسخ به این سؤال که «شما خودتان را جزء کدام یک از طبقات زیر می‌دانید؟» تعداد ۱۱۵ نفر (۲۸/۸ درصد) طبقه‌ی خود را خیلی پایین، پایین، متوسط رو به پایین، ۱۶۷ نفر (۴۱/۷ درصد) متوسط و تعداد ۱۱۸ نفر (۲۹/۵ درصد) متوسط رو به بالا، بالا و خیلی بالا اعلام کردند. زبان مادری ۲۴۳ نفر (۶۰/۸ درصد) پاسخ‌گویان فارسی و ۱۵۷ نفر دیگر (۳۹/۲ درصد) از قومیت‌های مختلف بودند (جدول شماره ۲)

جدول شماره‌ی دو- توزیع فراوانی جامعه‌ی نمونه بر حسب زبان مادری

طبقه	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
فارسی	۲۴۳	۶۰/۸
ترکی	۲۷	۶/۸
ترکمنی	۳۴	۸/۵
بلوچی	۲۱	۵/۲
سیستانی	۳۴	۸/۵
گیلکی و مازنی	۲۸	۷/۰
سایر	۱۳	۳/۳

بررسی مصرف رسانه‌ای در این تحقیق حاکی از آن است که پاسخ‌گویان بیش‌ترین زمان خود را در شبکه‌های اجتماعی با میانگین ۲۱۱ دقیقه و پس از آن استفاده از اینترنت با میانگین ۱۱۹ دقیقه و تماشای تلویزیون ملی ایران با میانگین ۱۱۶ دقیقه در هر شبانه‌روز مصرف نمودند.

آزمون فرضیه‌ها

پیش از پرداختن به متغیرهای مستقل و تجزیه و تحلیل رابطه‌ی آن‌ها با رفتارهای حامی محیط زیست، وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها و نتایج کلی تحلیل پرسش‌نامه‌ی رفتارهای محیط زیستی در بین شهروندان شهر گرگان ارائه می‌گردد.

جدول شماره‌ی سه- وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب مؤلفه‌های رفتارهای زیست‌محیطی

ردیف	گویه‌ها	اصلا		به ندرت		گاهی		اکثر اوقات		همیشه	
		بسیار زیاد	زیاد	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد
۱. مصرف آب	در مواقع غیر ضروری تعداد دفعات دوش گرفتن را کم می‌کنم.	۲۷	۶/۸	۸۴	۲۱/۱	۱۲۱	۳۰/۳	۱۲۳	۳۰/۸	۴۴	۱۱/۰
	هنگام شست‌وشوی ظروف از شیر آب به طور متناوب استفاده می‌کنم.	۲۲	۵/۵	۸۲	۲۰/۷	۱۲۹	۳۲/۵	۱۱۵	۲۹/۰	۴۹	۱۲/۳
	هنگام استحمام مواقعی که نیاز ندارم دوش آب را می‌بندم.	۳۱	۷/۸	۸۱	۲۰/۳	۹۱	۲۲/۸	۱۰۰	۲۵/۱	۹۶	۲۴/۱
	هنگام استحمام مواقعی که نیاز ندارم دوش آب را می‌بندم.	۳۱	۷/۸	۸۱	۲۰/۳	۹۱	۲۲/۸	۱۰۰	۲۵/۱	۹۶	۲۴/۱
	هنگام مسواک زدن شیر آب را می‌بندم.	۱۹	۴/۸	۶۵	۱۶/۳	۸۲	۲۰/۶	۹۵	۲۳/۸	۱۳۸	۳۴/۶

ردیف	گویه‌ها	اصلا		به ندرت		گاهی		اکثر اوقات		همیشه	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
رعایت مسایل بازیافتی	از بطری‌ها و ظروف شیشه‌ای مجدداً استفاده می‌کنم.	۲۳	۵/۸	۶۴	۱۶/۰	۱۳۴	۳۳/۶	۱۱۴	۲۸/۶	۶۴	۱۶/۰
	از کاغذهای باطله مجدداً استفاده می‌کنم.	۳۰	۷/۶	۸۵	۲۱/۳	۹۳	۲۳/۳	۱۲۶	۳۱/۶	۶۵	۱۶/۳
	از فروشگاه‌های محلی مواد غذایی خود را تهیه می‌کنم.	۳۶	۹/۰	۷۴	۱۸/۵	۹۸	۲۴/۶	۱۳۰	۳۲/۶	۶۱	۱۵/۳
	وسایل خانه را که استفاده نمی‌کنم جهت استفاده مجدد به دیگران هدیه می‌دهم.	۲۶	۶/۵	۷۸	۱۹/۵	۱۳۰	۳۲/۶	۱۱۴	۲۸/۶	۵۱	۱۲/۸
	از کیسه‌ی پلاستیکی یا زنبیل برای حمل خرید استفاده می‌کنم.	۵۶	۱۴/۰	۹۰	۲۲/۶	۷۷	۱۹/۳	۱۲۲	۳۰/۶	۵۴	۱۳/۵
مصرف بهینه‌ی گاز	بخاری اتاق‌هایی را که لازم نیست گرم باشد خاموش می‌کنم.	۲	۰/۵	۴۷	۱۱/۸	۹۴	۲۳/۶	۹۴	۲۳/۶	۱۶۱	۴۰/۴
	درجه‌ی حرارت وسایل گرمازا را برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی کم می‌کنم.	۳	۰/۸	۵۴	۱۳/۵	۱۱۹	۲۹/۸	۱۳۹	۳۴/۸	۸۴	۲۱/۱
	وقتی از آب‌گرم‌کن استفاده نمی‌کنم درجه‌ی آن را کم می‌کنم.	۱۴	۳/۶	۶۸	۱۷/۰	۹۸	۲۴/۶	۹۶	۲۴/۱	۱۲۳	۳۰/۸
	در فصل سرما از لباس گرم به جای سوزاندن انرژی استفاده می‌کنم.	۱۱	۲/۸	۸۴	۲۱/۱	۱۱۸	۲۹/۶	۱۳۵	۳۳/۸	۵۱	۱۲/۸
	از سم‌های مضر برای محیط زیست استفاده نمی‌کنم.	۳۵	۸/۸	۴۲	۱۰/۵	۱۲۱	۳۰/۳	۱۰۰	۲۵/۱	۱۰۱	۲۵/۳
استانداردهای زیست محیطی	از مواد شوینده‌ی استاندارد و غیر مضر برای محیط زیست استفاده می‌کنم.	۲۷	۶/۸	۷۱	۱۷/۸	۱۲۲	۳۰/۶	۱۱۵	۲۸/۸	۶۴	۱۶/۰
	از پودرهای مناسب برای شست‌وشوی لباس استفاده می‌کنم.	۳	۰/۸	۴۰	۱۰/۰	۹۹	۲۸/۴	۱۴۲	۳۵/۶	۱۱۵	۲۸/۸
	چراغ‌های اضافی را در منزل خاموش می‌کنم.	۱۱	۲/۸	۴۳	۱۰/۸	۵۷	۱۴/۳	۱۲۱	۳۰/۳	۱۶۷	۴۱/۹
مصرف بهینه‌ی برق	از لامپ کم‌مصرف جهت روشنایی خانه استفاده می‌کنم.	۵	۱/۳	۳۰	۷/۵	۴۳	۱۰/۸	۱۰۸	۲۷/۱	۲۱۲	۵۳/۳
	از وسایل برقی خانگی کم‌مصرف استفاده می‌کنم.	۸	۲/۰	۳۷	۹/۳	۹۱	۲۲/۸	۱۶۰	۴۰/۱	۱۰۳	۲۵/۸

با عنایت به نتایج جدول فوق می‌توان وضعیت نمره‌ی رفتار حامی محیط زیست شهروندان شهر گرگان را به صورت زیر در جدول شماره‌ی چهار نشان داد. (طبقه‌بندی زیر بر حسب نمره‌دهی پرسش‌نامه است که طبق آن نمره‌ی ۲۰ خیلی ضعیف و نمره‌ی ۱۰۰ خیلی قوی است).

جدول شماره‌ی چهار- وضعیت رفتار زیست‌محیطی در میان پاسخ‌گویان

رفتارهای حامی محیط زیست	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
خیلی ضعیف	۱	۰/۳	۰/۳
ضعیف	۳۴	۱۰/۸	۱۱
متوسط	۱۱۷	۲۹/۳	۴۰/۰
قوی	۱۷۲	۴۳/۱	۸۳/۵
خیلی قوی	۷۶	۱۶/۵	۱۰۰/۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰	۰

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون تی مستقل، آزمون همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است. در ادامه به تحلیل و تفسیر روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته در این پژوهش خواهیم پرداخت.

جدول شماره‌ی پنج- مقایسه‌ی نمره‌ی رفتارهای محیط زیستی بر حسب جنسیت

نام متغیر	جنس	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
جنسیت	زن	۷۰/۴۰	۱۴/۲۰	۰/۲۲۶	۰/۸۲۱
	مرد	۷۰/۰۷	۱۴/۲۵		

آزمون تی مستقل برای ارتباط بین متغیر جنسیت و رفتارهای حامی محیط زیست استفاده شد. سطح معنی‌داری، بیان‌گر عدم تفاوت میانگین‌هاست. بدین ترتیب جدول فوق حاکی از آن است که رفتارهای حامی محیط زیست در دو جنس زن و مرد ارتباط آماری معناداری ندارد.

جدول شماره‌ی شش- رابطه‌ی سن با رفتارهای حامی محیط زیست

رفتار		سن
sig	r	
۰/۰۰	۰/۴۲	

۲: ضریب همبستگی پیرسون، Sig: سطح معنی‌داری

نتایج آزمون همبستگی در جدول فوق بیان‌گر آن است که میان سن و رفتارهای حامی محیط زیست رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که هر چه سن افراد بالاتر باشد رفتار محیط زیستی بهتری دارند ($r= ۰/۴۲$).

جدول شماره‌ی هفت- مقایسه‌ی رفتارهای محیط زیستی بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	متغیر وابسته	میانگین	انحراف معیار	آماره (مقدار) F	Sig آنالیز واریانس	Sig مقایسه با آزمون توکی
مجرد	رفتارهای محیط زیستی	۶۴/۷۶	۱۵/۳۸	۴۹/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ = متأهل - مجرد
متأهل		۷۵/۷۶	۱۱/۳۷			۰/۰۴۰ = مجرد - بدون همسر
بدون همسر		۵۹/۴۴	۱۱/۱۱			۰/۰۰۰ = مجرد - متأهل

نتایج آزمون تحلیل واریانس حاکی از آن است که رابطه‌ی معناداری بین وضعیت تأهل و رفتارهای حامی محیط زیست وجود دارد. مقایسه‌ی بین گروهی آزمون تعقیبی توکی نشان‌گر رفتار مسئولانه‌تر افراد متأهل است. در این تحقیق هم‌چنین، پاسخ‌گویان مجرد نسبت به افرادی که بدون همسر هستند رفتار بهتری در قبال محیط زیست دارند.

جدول شماره‌ی هشت - رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای با رفتارهای محیط زیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
رادیو	رفتار حامی محیط زیست	۰/۰۴۱	۰/۴۱۰
تلویزیون		۰/۱۵۹	۰/۰۰۱
روزنامه		۰/۱۴۷	۰/۰۰۳
کتاب		۰/۱۶۴	۰/۰۰۱
ماهواره		-۰/۰۷۰	۰/۱۶۶
اینترنت		۰/۱۰۸	۰/۰۳۱
موبایل (شبکه‌های اجتماعی)		-۰/۳۱۹	۰/۰۰۰

آزمون همبستگی نشان داد که بین مصرف رسانه‌ای به طور کلی و رفتارهای محیط زیستی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بدین صورت که گوش‌دادن به رادیو رابطه‌ی معناداری با رفتارهای محیط زیستی ندارد. هم‌چنین تماشای شبکه‌های خارجی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون (تلگرام، اینستاگرام و...) حاکی از رابطه‌ی معکوس است. استفاده از اینترنت با سطح معنی‌داری (۰/۰۳۱) بیش‌ترین تأثیر را در بروز رفتارهای حامی محیط زیست داشت. کتاب، روزنامه و رسانه‌ی ملی هم رابطه‌ی معناداری با رفتارهای حامی محیط زیست دارد.

جدول شماره‌ی نه - مقایسه‌ی رفتارهای محیط زیستی بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی

پایگاه اجتماعی - اقتصادی	متغیر وابسته	میانگین	انحراف معیار	آماره F (مقدار)	Sig آنالیز واریانس	Sig مقایسه با آزمون توکی
پایین	رفتارهای	۶۲/۱۹	۱۲/۹۸	۲۸/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ = متوسط - پایین
متوسط	محیط	۷۳/۹۱	۱۳/۳۴			۰/۰۰۱ = بالا - پایین
بالا	زیستی	۷۱/۹۱	۱۲/۷۵			۰/۶۰۶ = بالا - متوسط

نتایج حاصل از آزمون آنالیز واریانس نشان داد که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی با رفتارهای حامی محیط زیست رابطه وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل رابطه‌ی معنی‌داری در بین بیش از دو گروه از آزمون (Tukey) استفاده می‌شود. طبق نتایج جدول فوق، آزمون تعقیبی توکی نشان داد که

رفتارهای محیط زیستی پاسخ‌گویان طبقه‌ی پایین با طبقات متوسط و بالا تفاوت معناداری دارد. بدین ترتیب که طبقات بالا و متوسط، نمره‌ی رفتار محیط زیستی بیش‌تری کسب نمودند. هم‌چنین مقایسه‌ی درون طبقات نشان داد طبقه‌ی متوسط رفتار محیط زیستی بهتری در مقایسه با طبقه‌ی بالا دارند؛ اما این مقدار از نظر آماری تفاوت معنی‌داری نداشت.

جدول شماره‌ی ده- رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی با رفتار محیط زیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
با این جمله که: «همه‌ی مردم صادقند» چقدر موافقید؟	رفتار حامی محیط زیست	۰/۲۵۱	۰/۰۰۰
با این جمله که: «به همه‌ی مردم می‌توان اعتماد کرد» چقدر موافقید؟		۰/۲۴۱	۰/۰۰۰
مجموع دو گویه		۰/۲۶۵	۰/۰۰۰

بر اساس جدول فوق نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر اعتماد اجتماعی با رفتارهای حامی محیط زیست رابطه وجود دارد. مقدار همبستگی کل متغیر اعتماد اجتماعی (۰/۲۶۵) است. بدین معنا که هرچه اعتماد اجتماعی بالاتر باشد افراد رفتارهای محیط زیستی بهتری بروز می‌دهند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

ما در دوره‌ای از رشد و تغییر بی سابقه زندگی می‌کنیم. انسان‌ها چه به شکل فردی و چه به صورت جمعی با محیط اطراف خود تعامل دارند؛ اما در قرن اخیر برای اولین بار از جامعه‌ی پساکشاورزی به این سو اقتصاد انسانی بر فضای محیط زیستی تسلط یافته است. هر جنبه از زندگی روزمره بشر به وسیله‌ی این اقتصاد تغییر داده شده و انسان با نام پیشرفت و به دست تکنولوژی، تعامل میان خود و طبیعت را به تعارض تبدیل ساخته است. بیانیه‌های ۱۹۷۴ استکهلم و ۱۹۹۲ ریو حاکی از توجه دیر هنگام متفکرین توسعه به آسیب‌های ناشی از مدرنیته به محیط زیست است (باقری، ۱۳۹۵: ۱۹).

پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای حامی محیط زیست در بین شهروندان شهر گرگان انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق مبتنی بر عدم وجود رابطه بین متغیر جنسیت و رفتارهای حامی محیط زیست با نتایج احمدیان و حقیقتیان، (۱۳۹۵)، آیدین (۲۰۱۰) و گترسلبن (۲۰۱۴) هم‌سو بود؛ اما با نتایج پژوهش کبیری و کریم‌زاده رضاییه (۱۳۹۶)، پلاسیک (۲۰۱۳)، بلودهارت (۲۰۱۰) و هانتر (۲۰۰۴) هم‌سو نبود. در این زمینه پژوهش‌های جامعه‌شناسی محیط زیستی که با بهره‌گیری از مقولات اکوفنیمسم انجام شده‌اند زنان را دغدغه‌مندتر از مردان می‌دانند. به اعتقاد این محققان تفاوت‌های جنسیتی، احساسات و عواطف زنان به توجه و مراقبت بیش‌تر ایشان نسبت به محیط زیست منجر شده است.

یافته‌های تحقیق مبتنی بر رابطه‌ی بین سن و رفتارهای حامی محیط زیست با یافته‌های، خوش‌فر (۱۳۸۸)، چوپانی (۱۳۹۴) و تابرنرو (۲۰۱۱) هم‌سو بود؛ اما با یافته‌های فتحی (۱۳۹۴)، بامبرگ (۲۰۰۷) و گترسلبن (۲۰۱۴) هم‌سو نبود. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود تجربیات و آگاهی‌های بیش‌تری نسبت به محیط پیرامون خود کسب می‌نمایند، از این‌رو خود را ملزم به رعایت مسایل حامی محیط زیست می‌دانند تا در قبال نسل‌های آینده نیز اثر مثبتی از خود بر جا گذاشته باشند. یافته‌های تحقیق مبتنی بر رابطه‌ی بین وضعیت تأهل و رفتارهای حامی محیط زیست با نتایج عقلی و همکاران (۱۳۸۸)، مختاری ملک‌آبادی (۱۳۹۳)، هم‌سو بود اما با احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) و استودارت (۲۰۱۲) هم‌سو نبود. یافته‌های تحقیق مبتنی بر رابطه‌ی بین مصرف رسانه‌ای و رفتارهای حامی محیط زیست با یافته‌های خوش‌فر (۱۳۹۴)، استمان (۲۰۱۴)، هانگ (۲۰۱۶) و هو و لیاو (۲۰۱۵)، هم‌سو بود. در عصر صنعت فرهنگ‌سازی، رسانه‌ها به مثابه یک گروه مرجع قوی و هنجاربخش عمل می‌کنند و با سیطره‌ی وسیع و دسترسی آسان رفتارهای افراد را فارغ از فرهنگ‌های جغرافیایی خاص یکپارچه ساخته است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که فراگیر شدن استفاده از ماهواره و شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام و اینستاگرام تأثیر منفی بر رفتارهای حامی محیط زیست دارد. شاید یکی از دلایل این موضوع، فضای تبلیغاتی حاکم بر شبکه‌های خارجی، کانال‌های تلگرامی و اینستاگرام است که بطور هژمونیک روی مقوله‌ی «مصرف» تأکید دارند و طبیعتاً سبک زندگی جدید با پیوند ناگسستنی خود با مصرف بیش‌تر برای خوشحالی بیش‌تر با دغدغه‌های محیط زیستی در تعارض جدی قرار دارد. از مؤلفه‌های مصرف رسانه‌ای، کاربران روزانه اینترنت بالاترین نمره رفتار زیست محیطی را بدست آوردند، به نظر می‌رسد این تفاوت معنا‌دار در قیاس با کاربران شبکه‌های

اجتماعی به چگونگی استفاده کاربران از اینترنت مربوط است. کاربران شبکه‌های اجتماعی اغلب از طریق تلفن همراه با میانگین ۲۱۱ دقیقه در شبانه روز در فضای مجازی حضور دارند که این مسئله نه تنها به ارتقاء آگاهی‌های محیط زیستی افراد منجر نشده بلکه بخاطر تغییراتی که در سبک زندگی شهروندان ایجاد نموده منجر به بروز رفتارهایی در تعارض با محیط زیست شده است.

اعتماد اجتماعی عبارت است از انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به‌لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۵). نتایج تحقیق مبتنی بر رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و رفتارهای حامی محیط زیست با یافته‌های خوش‌فر (۱۳۸۸)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱)، کرامپتون (۲۰۱۰) و دیگ‌روت (۲۰۰۸) هم‌سو بود. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که هرچه اعتماد اجتماعی افراد بالاتر باشد، رغبت بیشتری در مشارکت‌های اجتماعی در جهت ارتقاء شاخص‌های توسعه‌ی پایدار شهری خواهند داشت و در زمینه‌هایی هم‌چون مصرف بهینه، تفکیک زباله‌های بازیافتی، برخورد دوستانه با طبیعت و... همکاری بیشتری خواهند داشت.

در اغلب تحقیقات انجام‌شده در ایران همواره از مدل خطی و کلاسیک بررسی دانش و نگرش، رفتارهای زیست‌محیطی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دروگمن (۲۰۱۱)، نایبر (۲۰۱۰)، ون‌دروورف (۲۰۱۱)، وایت مارش (۲۰۱۰) و مولینا (۲۰۱۳) در تحقیقات خود تلاش نمودند تحولاتی در مدل خطی کلاسیک ایجاد نمایند. به نظر می‌رسد که صرفاً با ارزش‌ها و نگرش‌های زیست محیطی مورد پذیرش افراد، نمی‌توان نوع رفتار و عمل‌کرد افراد را در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی کرد و باید عوامل ساختاری، موقعیتی، روان‌شناختی و اجتماعی گوناگونی از جمله فشارهای اجتماعی برای پذیرش هنجارهای جمعی، محدودیت‌های اقتصادی، عوامل عاطفی و فیزیکی را که در خلق معنا برای مکان‌های زیست‌محیطی دخیل‌اند لحاظ کرد. این‌ها عواملی هستند که می‌تواند در کنار نگرش زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی تأثیر گذارد و یا در مواقعی این تأثیرگذاری را شدت بخشیده یا خنثی کنند (وایت مارش، ۲۰۱۰: ۳۰۷).

اولریش بک از دهه‌ی ۹۰ پروژه‌ی جامعه‌ی پرمخاطره را پیگیری کرده است. بک جامعه‌ی جهانی را در مخاطره می‌بیند و معتقد است: جامعه‌ی صنعتی یک "دموکراسی ناقص" به وجود آورده است که در آن مسایل مربوط به تغییر تکنولوژیک جامعه به دور از تصمیم‌گیری‌های سیاسی-پارلمانی قرار دارد (بک، ۲۰۰۶). سطح نگرانی جامعه‌شناسان معاصر به حدی افزایش یافته که تخریب جهانی محیط‌زیست را با مسأله‌ی بقای محیط‌زیست و نسل بشر پیوند زده‌اند.

با توجه به متغیرهای پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به معناداری رابطه‌ی متغیر سن و رفتارهای حامی محیط زیست در شهروندان می‌توان با ارائه‌ی آموزش‌های لازم به مدارس، از سنین پایین و کودکی در جهت پیش‌برد الگوهای توسعه‌ی پایدار شهری گام برداشت.

۲- بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، رسانه‌های جمعی نقش مؤثری در بروز رفتارهای حامی محیط زیست دارند. با توجه به این که شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و رسانه‌ی ملی بیش‌ترین میزان مصرف رسانه‌ای را در شبانه‌روز به خود اختصاص دادند، بنابراین پیشنهاد می‌گردد نهادهای ذی‌ربط با ایجاد کانال‌های تلگرامی، شبکه‌ها و انتشار کتابچه‌های رایگان با آموزش‌های همگانی نسبت به فرهنگ‌سازی و تقویت رفتارهای حامی محیط زیست اقدام نمایند.

۳- بر اساس یافته‌های پژوهش، طبقات پایین ضعیف‌ترین عمل‌کرد را نسبت به رفتارهای حامی محیط زیست داشتند. به نظر می‌رسد بسیاری از این افراد دغدغه‌های زیست‌محیطی دارند و یا حداقل تمایلی به آسیب‌رساندن به محیط پیرامون خود ندارند؛ اما به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی و برخورداری‌های اجتماعی، زیست‌جهان آن‌ها به گونه‌ای است که با الگوهای توسعه‌ی پایدار منافات دارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد متولیان این امر با کاستن از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و شکاف‌های طبقاتی نسبت تقویت وضعیت معیشت و ارتقاء شاخص‌های استاندارد زندگی شهری مبادرت ورزند.

۴- نتایج بررسی رابطه‌ی متغیر اعتماد اجتماعی با رفتارهای حامی محیط زیست نشان داد که با افزایش اعتماد اجتماعی سطح مشارکت و تعامل در جامعه افزایش خواهد یافت. در این راستا سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی در سطح کلان با هدف افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه مؤثر خواهد بود.

سپاس‌گزاری

این پژوهش حاصل پایان‌نامه‌ی مقطع دکترا در رشته‌ی جامعه‌شناسی گرایش اقتصاد و توسعه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل است. از تمامی افرادی که با شکیبایی در فرآیند تکمیل پرسش‌نامه، محقق را یاری رساندند قدردانی می‌شود. از جناب آقای دکتر غلامرضا خوش‌فر نیز به جهت مشاوره‌های ارزشمندشان قدردانی می‌گردد.

***یادداشت

این شاخص بین‌المللی توسط دانشگاه ییل منتشر می‌شود (EPI) و شامل منابع آب، کشاورزی، منابع طبیعی و... می‌شود.

منابع

۱. احمدی، حبیب و دهقانی، رودابه (۱۳۹۴) «آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه‌ی مخاطره‌آمیز)»، **فصل‌نامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی**، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۲: ۱۲۶-۱۰۱.
۲. احمدیان داریوش و حقیقتیان منصور (۱۳۹۵) «تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی شهری مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمانشاه)»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)**، دوره‌ی ۶ شماره‌ی ۱۸: ۷۵-۵۱.
۳. امام جمعه زاده، سیدجواد، صادقی نقدعلی، زهرا، رهبرقاضی، محمودرضا و نوعی باغبان، سیدمرتضی (۱۳۹۲) «بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه موردی جوانان شهر تبریز)»، **مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی**، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴: ۳۱-۹.
۴. الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (۱۳۹۳) **برداشت‌هایی در نظریه‌ی اجتماعی معاصر**، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. باقری، دانیال (۱۳۹۵) «محیط زیست و دشمنانش: (انسان، مهلک‌ترین بلای طبیعت)»، **فصل‌نامه‌ی اجتماعی فرهنگی محیط زیستی زیست‌آئین**، شماره‌ی چهارم: ۱۶-۱۴.
۶. بری، جان (۱۳۸۰) **محیط زیست و نظریه‌های اجتماعی**، ترجمه‌ی حسن پوریان و نیره توکلی، تهران: نشر سازمان حفاظت محیط زیست.
۷. بک، اولریش (۱۳۸۸) **جامعه در مخاطره‌ی جهانی**، ترجمه‌ی محمدرضا مهدی‌زاده، انتشارات کویر
۸. حاجیلو، فتانه (۱۳۹۲) «بررسی رابطه‌ی سبک زندگی مصرفی و سرمایه‌ی اقتصادی با برخی سازنده‌های شاخص ردپای بوم‌شناختی»، **فصل‌نامه‌ی اخلاق زیستی**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۸: ۱۳۱-۱۰۱.
۹. حمایت خواه جهرمی، مجتبی، ارشاد، فرهنگ، دانش، پروانه و قربانی، مهدی (۱۳۹۶) «واکاوی رفتارهای زیست‌محیطی بر اساس مدل TPB»، **فصل‌نامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق)**، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۳: ۶۶-۳۱.
۱۰. خوش فر، غلامرضا، صالحی، صادق، وصال، زینب و عباس زاده، محمدرضا (۱۳۹۴) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان (مطالعه‌ی موردی: دهستان جاغرق شهرستان بینالود)»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های روستایی**، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱: ۱۵۸-۱۳۷.

۱۱. رستگار خالد، امیر، مشکینی، قاسم و صالحی، صادق (۱۳۹۶) «بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی با شهروندی زیست‌محیطی در بین شهروندان مناطق ۱۱،۳ و ۱۹ تهران»، **فصل‌نامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق)**، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۱: ۵۸-۳۷.
۱۲. صالحی، صادق و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان)»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۴: صص ۹۰-۱۱۵.
۱۳. فتحی، ضرغام، کنعانی، محمدمبین و چاوشیان، حسن (۱۳۹۴) «تحلیل رفتارهای زیست-محیطی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی»، **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۵: ۱۰۳-۱۲۳.
۱۴. عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۹) **درآمدی به اقتصاد شهری**، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. عباس‌زاده، محمد، بنی‌فاطمه، حسین، علیزاده اقدم، محمداقار و علوی، لیلا (۱۳۹۵) «تأثیر مداخله‌ای نگرش مسئولانه‌ی زیست‌محیطی بر رابطه‌ی بین دل‌بستگی مکانی و رفتار مسئولانه‌ی زیست‌محیطی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و هفتم، شماره‌ی پیاپی (۶۲)، شماره‌ی دوم: ۸۰-۶۱.
۱۶. عقیلی، سیدمحمود، خوش‌فر، غلامرضا و صالحی، صادق (۱۳۸۸) «سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران»، **مجله‌ی علوم کشاورزی و منابع طبیعی**، جلد شانزدهم: ۳۹-۲۳.
۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) **انسان‌شناسی شهری**، تهران: نشرنی.
۱۸. قادری ناصح، چوپانی، سامان، صالحی، صادق، خوش‌فر و غلامرضا (۱۳۹۴) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی در شهرستان مریوان در سال ۱۳۹۲»، **مجله‌ی علوم پزشکی زانکو**، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۴۸: ۱۸-۱۰.
۱۹. کبیری، افشار و کریم‌زاده رضاییه، سارا (۱۳۹۶) «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و دغدغه‌ی زیست‌محیطی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره‌ی ۲۸، شماره‌ی ۱، شماره‌ی پیاپی ۶۵: ۶۶-۵۳.
۲۰. گول‌دبالت، دیوید (۱۳۷۹) «نظریه‌ی اجتماعی و محیط زیست»، ترجمه‌ی سید محمود نجاتی حسینی، **مجله‌ی مدیریت شهری**، شماره‌ی ۴: ۹۵-۸۶.

۲۱. مختاری ملک آبادی، رضا، عبدالحی، عظیمه السادات و صادقی، حمیدرضا (۱۳۹۳) «تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست محیطی شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان، سال ۱۳۹۱)». پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره‌ی ۵ شماره‌ی ۱: ۲۰-۱.
۲۲. ملانیا جلودار، شهرام، فرزانه، سیف الله و همایونی بایی، سیده مقدسه (۱۳۹۵) «بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌های تولیدی استان مازندران، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲: ۱۰۷-۷۹.
۲۳. گرمارودی، غلامرضا و مرادی، علی (۱۳۸۹) «طراحی ابزار اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی - اجتماعی در شهر تهران»، مجله‌ی پژوهش‌کده‌ی علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۲: ۱۴۴-۱۳۷.

24. Ando, K., Ohnuma, S., Blöbaum, A., Matthies, E., & Sugiura, J. (2010). Determinants of individual and collective pro-environmental behaviors: Comparing Germany and Japan. **Journal of Environmental Information Science**, Vol. 38, No. 5, pp. 21-32.
25. Axsen, J.; Kurani, K. S. (2014). "Social Influence and Proenvironmental Behavior: The Reflexive Layers of Influence Framework", **Environment and Planning B: Planning and Design**, Vol. 41, No. 5, pp. 847-862.
26. Aydin, F., & Cepni, O. (2010). University students' attitudes towards environmental problems: A case study from Turkey. **International Journal of the Physical Sciences**, Vol. 5, No. 17, pp. 2715-2720.
27. Bamberg, S. & Möser, G. (2007) Twenty years after Hines, Hungerford, and Tomera: a new meta-analysis of psycho-social determinants of pro-environmental behaviour, **Journal of Environmental Psychology**, Vol. 27, No. 1, pp.14-25. doi: 10.1016/j.jenvp.2006.12.002
28. Barr, S. (2007). Factors Influencing Environment Attitudes and Behaviors: A U.K. Case Study of Household Waste Management. **Journal of Environment and Behavior**, Vol. 39, No. 4, pp. 435-473.
29. Beck, U. (2006). Living in the world risk. Society. **Economy and Society**, Vol. 35, No. 3, pp. 329_345.
30. Beck Ulrich (1992) **Risk Society: Towards a New Modernity**. New Delhi: Sage. (Translated from the German Risikogesellschaft) 1986.
31. Bloodhart, B., & Swim, J. K. (2010). Equality, harmony, and the environment: **An ecofeminist approach to understanding the role of cultural values on the treatment of women and nature.**, *Ecopsychology*, Vol. 2, No. 3, pp. 187-194.
32. Carfagna, L. B., E. A. Dubois, C. Fitzmaurice, M. Y. Ouimette, J. B. Schor, and M. Willis. (2014). **An emerging eco-habitus: the reconfiguration of high cultural capital practices among ethical consumers.** *Journal of Consumer Culture*, Vol. 14, No. 2, pp. 14:158-178.
33. Crompton, T. & Kasser, T. (2010) **Human identity: a missing link in environmental campaigning**, *Environment*, Vol. 52, No. 4, pp. 23-33. doi: 10.1080/00139157.2010.493114

34. De Groot, J. I. M. & Steg, L. (2008) Value orientations to explain beliefs related to environmental significant behavior—How to measure egoistic, altruistic, and biospheric value orientations, **Environment and Behavior**, Vol. 40, No. 3, pp., 330–354. doi: 10.1177/0013916506297831
35. Druckman, A., Chitnis, M., Sorrell, S. & Jackson, T. (2011) Missing carbon reductions? Exploring rebound and backfire effects in UK households, **Energy Policy**, Vol. 39, No. 6, pp. 3572–3581. doi: 10.1016/j.enpol.2011.03.058
36. Dunlap, R. E. and Van Liere, K. D. (1978). The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and preliminary results. **The Journal of Environmental Education**, Vol. 9, No. 4, pp. 10-19.
37. Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975) **Belief, Attitude, Intention, and Behavior: an introduction to theory and research** (Reading, MA, Addison-Wesley).
38. Gadenne, D., Sharma, B., Kerr, D., Smith, T. (2011). **The influence of consumers' environmental beliefs and attitudes on energy saving behaviours**. *Energy Policy*, Vol. 39, No. 12, pp. 7684–7694.
39. Gatersleben B, Murtagh N, Abrahamse W. (2014). Values, identity and pro-environmental behavior. **Journal of the Academy of Social Sciences**, Vol. 9, No. 4, pp. 374-392. doi.org/10.1080/21582041.2012.682086
40. Giddens, Anthony (1999) "Risk and Responsibility" **Modern Law Review**, Vol. 62, No. 1, pp. 1-10.
41. Haanpaa, Lena (2007)'Consumers' green commitment: indication of a postmodern lifestyle'? **International Journal of Consumer Studies**, Vol. 31, No. 5, pp. 478-486.
42. Ho. S.S, Liao. Y, Rosenthal.S. (2015). Applying the theory of planned behavior and media dependency theory: **Predictors of public pro-environmental behavioral intentions in Singapore**. *Environmental Communication*, Vol. 9, No. 1, pp. 77-99.
43. Huang, H. (2016). Media use, **environmental beliefs, self-efficacy, and pro-environmental behavior**. **Journal of Business Research**, Vol. 69, No. 6, pp. 2206-2212.
44. Inglehart, Ronald (1997) , "Modernization and Post modernization", Cultural, Economic and Political Change in 43 societies
45. Katz-Gerro, T., Greenspan, I., Handy, F., Lee, H. Y., & Frey, A. (2015). "Environmental philanthropy and environmental behavior in five countries: Is there convergence among youth?", **voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations**, Vol. 26, No. 4, pp.1485-1509.
46. Molina, M. A., Fernández-Sáinz, A., Izagirre-Olaizola, J. (2013). Environmental knowledge and other variables affecting pro-environmental behaviour: comparison of university students from emerging and advanced countries. **Journal of Cleaner Production**, Vol. 61, No. 5, pp.130-138.
47. Nigbur, D., Lyons, E. & Uzzell, D. (2010) Attitudes, norms, identity and environmental behaviour: using an expanded theory of planned behaviour to predict participation in a kerbside recycling programme, *British Journal of Social Psychology*, Vol. 49, No. 2, pp. 259–284. doi: 10.1348/014466609X449395
48. Patchen, M. (2006). Public attitudes and behavior about climate change, (What Shapes Them and How to Influence Them). Purdue climate change research center outreach publication, (1-57). Available on: Public attitudes and behavior about climate change
49. Partidario, M. R., Gustavo V. and Constança B. 2010. **Can New Perspectives on Sustainability Drive Lifestyles, Sustainability**, Vol. 2, No. 9, pp. 2849-2872.

50. Paxton, P (1999) "Is Social Capital Declining in the United States? A Multiple Indicator Assessment. *American Journal of Sociology*. Vol. 105, No. 1, pp. 88-127
51. Plavsic S. (2013). An Investigation of Gender Differences in Proenvironmental Attitudes and Behaviors. Honors thesis fulfilled in partial requirements for the Honors distinction **University of Connecticut**: 1-47. Available on: <https://pdfs.semanticscholar.org/fdf2/1aa4cc89553adb56642c9d717f90f49ea153.pdf>
52. Sastry, Deepti (2015) Environmental capital as cultural capital : environmentalism and identity-formation in the Indian middle class. PhD thesis, Birkbeck, **University of London**. URI: <http://bbktheses.da.ulcc.ac.uk/id/eprint/160>
53. Sterling, S. (2010) Learning for resilience, or the resilient learner? **Towards a necessary reconciliation in a paradigm of sustainable education**. *Environ. Educ. Res*, Vol. 16, No. 5, pp. 511–528.
54. Stern, C. P. (2000) "Toward A Coherent Theory of Environmentally Significant Behavior", **Journal of Social Issues**, Vol. 56, No. 3, pp. 407-424.
55. Tabernero. C, Hernández. B. (2011). **Self-efficacy and intrinsic motivation guiding environmental behavior**. *Environment and Behavior*, Vol. 43, No. 2, pp. 658-675.
56. Van der Werff, E., Steg, L. & Keizer, K. (2011) Values, environmental identity and pro-environmental behaviour, Paper presented at the IAREP, **Journal of the Academy of Social Sciences**, Vol. 9, No. 4, pp. 374-392.
57. Whitmarsh L, Lorenzoni I (2010) Perceptions, **behavior and communication of climate change**. *Wiley Interdiscip Rev Clim Chang*, Vol. 1, No. 2, pp.158–161.
58. Whitmarsh, L. & O'Neill, S. (2010) Green identity, green living? The role of pro-environmental self-identity in determining consistency across diverse pro-environmental behaviours, **Journal of Environmental Psychology**, Vol. 30, No. 3, pp. 305–314. doi: 10.1016/j.jenvp.2010.01.003
59. Willis MM and Schor JB (2012) Does changing a light bulb lead to changing the world? Political action and the conscious consumer. **Annals of the American Academy of Political and Social Science**, Vol. 644, No. 1, pp. 160–190.